

بزرگداشت شخصیت، توجه به استعداد و صلاحیت آنان، احترام به نیازهای فردی و اجتماعی، رفتار محبت آمیز و حکیمانه و سرشار از عاطفه و خلوص، موجب جذب جوانان به سوی آن حضرت بود و شیفتگی آنان به رهبر خویش، ریشه در شیوه رفتار و گفتار آن حضرت نسبت به مخاطبین و شاگردان خویش دارد.

آن حضرت به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه کرده و به ابوجعفر؛ مؤمن طاق می فرماید :

«علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر؛ (2) بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی ها را می پذیرند.»

در اینجا چند نمونه از رفتار آن حضرت را در برخورد با نسل جوان می خوانیم :

1 - آن روز یکی از شلوغ ترین ایام حج بود. امام صادق علیه السلام با گروهی از یارانش گفت و گو می کرد. در این هنگام هشام بن حکم که تازه به دوران جوانی گام نهاده بود، خدمت امام رسید. پیشوای شیعیان از دیدن این جوان شادمان شد، او را در صدر مجلس و کنار خویش نشاند و گرمی داشت. این رفتار امام، حاضران را که از شخصیت های علمی شمرده می شدند، شگفت زده ساخت.

وقتی امام علیه السلام آثار شگفتی را در چهره حاضران مشاهده کرد فرمود : «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده؛ این جوان با دل و زبان و دستش (با تمام وجود) یاور ماست.» سپس برای اثبات مقام علمی هشام برای حاضرین، درباره نام های خداوند متعال و فروع آن ها از وی پرسید و هشام همه را به نیکی پاسخ گفت. آن گاه حضرت فرمود : «هشام! آیا چنان فهم داری که با منطق و استدلال دشمنان ما را دفع کنی، هشام گفت : آری. امام فرمود : «نفعک الله به و ثبتک؛ خداوند تو را از آن بهره مند سازد و (در این راه) ثابت قدم بدارد.» هشام می گوید : بعد از این دعا هرگز در بحث های خدانشناسی و توحید شکست نخوردم. (3)

2 - مفضل بن عمرو نماینده امام صادق علیه السلام در شهر کوفه بود. او از طرف امام موظف بود به مشکلات دینی، مالی و اجتماعی مردم کوفه رسیدگی کند و در این رابطه با جوانان شهر ارتباط صمیمانه و مستحکمی برقرار کرده بود، برای همین عده ای این دوستی را نتوانستند تحمل کنند، ناچار به شایعه و افتراء روی آوردند و مفضل و یارانش را به شرابخواری، ترک نماز، کبوتر بازی و حتی به سرقت و راهزنی متهم کردند. این گروه، که ابوالخطاب معزول و طرفدارانش از فعالان آن شمرده می شدند، شایع کردند که مفضل افراد بی مبالا و لالایی را پیرامونش گرد آورده است.

وقتی این شایعات به اوج رسید، گروهی از مومنان و مقدسان کوفه به محضر امام صادق علیه السلام چنین نوشتند: «مفضل با افراد رذل و شرابخوار و کبوتر باز همنشین است، شایسته است دستور دهید این افراد را از خود دور سازد.»

امام صادق علیه السلام بدون این که با آنان در این باره سخن بگوید، نامه ای برای مفضل نوشته، مهر کرد و به آنان سپرد تا به مفضل برسانند. حضرت تصریح کرد که نامه را خودشان شخصا به مفضل تحویل دهند. آنان به کوفه برگشتند و دسته جمعی به خانه مفضل شتافتند و نامه امام صادق علیه السلام را به دست مفضل دادند. وی نامه را گشود و متن آن را قرائت کرد. امام علیه السلام به مفضل دستور داده بود که : چیزهایی بخرد و به محضر امام علیه السلام ارسال کند.

در این نامه اصلا اشاره ای به شایعات نشده بود. مفضل نامه را خواند و آن را به دست همه حاضران داد تا بخوانند. سپس از آنان پرسید : اکنون چه باید کرد؟ گفتند : این اشیاء خیلی هزینه دارد. باید بنشینیم، تبادل نظر کنیم و از شیعیان یاری جوییم. در واقع هدفشان این بود که فعلا خانه مفضل را ترک کنند. مفضل گفت : تقاضا

می کنم برای صرف غذا در اینجا بمانید. آنان به انتظار غذا نشستند. مفضل افرادی را به سراغ همان جوانانی که از آن ها بدگویی شده و به کارهای ناروا متهم شده بودند فرستاد و آنان را احضار کرد. وقتی نزد مفضل آمدند، نامه حضرت صادق علیه السلام را برای آنان خواند.

آنان، با شنیدن کلام امام صادق علیه السلام برای انجام فرمان حضرت از خانه خارج شدند و پس از مدت کوتاهی بازگشتند. هر کدام به اندازه وسع خویش روی هم نهاده و در مجموع 2 هزار دینار و ده هزار درهم در برابر مفضل نهادند. آن گاه مفضل به شکایت کنندگان که هنوز از صرف غذا فارغ نشده بودند نگریست و گفت : شما می گوئید این جوانان را از خودم برانم و گمان می کنید خدا به نماز و روزه شما نیازمند است؟! (4)

در اینجا به بخشی از شیوه ها و راه کارهای عملی برخورد و هدایت جوانان در پرتو گفتار و رفتار صادق آل محمدعلیهم السلام می پردازیم :

1 - رفتار نیکو و ملایم

نوجوان قلبی پاک و روحی حساس و دلی نازک و عاطفی دارد. در برخورد با او باید راه نرمی و ملایمت پیش گرفت. نگاه مهربان، ارزش دادن به شخصیت و رفتار خوش، بهترین شیوه ارتباط با اوست. محبت، اظهار علاقه، صدا کردن با القاب، عناوین و نام های زیبا او را به سوی مبلغ و مربی جذب می کند و در این حال می توان ارتباط قلبی و عاطفی با او ایجاد کرد، سخنانش را شنید، راهنمایی کرد، لغزش ها را متذکر شد و بالاخره درعالم دوستی که یک ارتباط شدید روحی و عاطفی برقرار است، می توان صفات زیبا را به او القاء نمود، نیازهای بسیاری را از او برطرف کرد و از آلودگی ها او را بر حذر داشت، زیرا گرایش جوان به خوبی ها و زیبایی ها از دیگران بهتر و سریع تر انجام می پذیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود : «من لم تکن فیه ثلاث خصال لم ینفعه الایمان : حلم یرد به جهل الجاهل. و ورع یحجزه عن طلب المحارم. و خلق یداری به الناس؛ (5) هر کس سه خصلت را دارا نباشد از ایمان خود سودی نخواهد برد : اول - بردباری، که جهل نادان را برطرف کند. دوم - پارسائی، که او را از حرام باز دارد. سوم - رفتار نیکو که با مردم مدارا نماید.»

2 - آگاهی دادن در مسائل دینی

یکی از علل دین گریزی برخی جوانان و نوجوانان عدم آگاهی به مسائل دینی است. زیرا انسان طبیعتاً هر چه را نشناسد به سویش نمی رود و افکار و احساسات و حواس خود را به سوی آن معطوف نمی دارد. اما شناخت و آگاهی از خوبی ها و زیبایی ها به ویژه اطلاع از منافع آن، سریعاً انسان نفع طلب را به آن جذب کرده و آن را در نزد شخص، دوست داشتنی می کند. برای همین اگر جوانان با آثار و برکات و احکام و معارف دین آشنا شوند،

فاصله آنان با حقایق دینی کم خواهد شد. افزون بر این، نسل جدیدی که معمولا از مسائل و حقایق دینی بی اطلاع یا کم اطلاع است و بصیرت و معرفت کافی از دین ندارد، تحت تاثیر تبلیغات و هجمه های فرهنگی دشمنان قرار می گیرد.

امام صادق علیه السلام به بشیر دهان (روغن فروش) فرمود: «لا خیر فی من لا یتفقه من اصحابنا یا بشیر ان الرجل منهم اذا لم یستغن بفقهه احتاج الیهم فاذا احتاج الیهم ادخلوه فی باب ضلالتهم و هو لا یعلم؛ (6) از دوستان ما کسی که در دین خود اندیشه و تفقه نکند ارزش ندارد. ای بشیر! اگر یکی از دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسائل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می شود، هر گاه به آن ها نیاز پیدا کرد آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می دهند در حالی که خودش نمی داند.» ضرورت یادگیری احکام دینی در منظر پیشوای ششم آنقدر مهم است که می فرماید: «لو اتیت بشاب من شباب الشیعة لایتفقه لادبته؛ (7) اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد نمایم که در دین تفقه نمی کند او را تادیب خواهم کرد.»

3 - شناساندن آسیب های اجتماعی

آشنا نبودن نسل جدید با آفت های اجتماعی موجب افت ارزش های اخلاقی و توفیق دشمنان فرهنگی و رواج خلاف و حرام در میان آنان می باشد. اگر جوانان مسلمان با این آفت ها آشنا باشند و از عواقب بد آن در میان افراد جامعه اطلاع یابند، بنابر فطرت پاکی که خداوند در نهاد آن ها قرار داده از آن آفت ها فاصله خواهند گرفت و دامن خویش را به چنین آفت های اجتماعی آلوده نخواهند کرد. صادق آل محمد علیه السلام مواردی از آفت های اجتماعی را چنین فهرست کرده است:

الف) ستم کردن

ب) فریبکاری

ج)

خیانت

د) تحقیر و خوار کردن دیگران

ه) اف گفتن: (نق بزند، غرغر کند و به این وسیله زحمات دیگران را نادیده گرفته و خود را چیزی پندارد).

و) دشمنی، کینه توزی و اظهار عداوت با برادران دینی

ز) تهمت زدن

ح) داد و فریاد و پرخاشگری

ط) طمع کاری و حرص به دنیا.

«و ان لایظلمه و ان لایغشه و ان لایخونه و ان لایخذله و ان لایکذبه و ان لایقول له اف و اذ قال له اف فلیس

بینهما ولایة و اذ قال له انت عدوی فقد کفر احدهما و اذا اتهمه انما ات الایمان فی قلبه کما ینماث الملح فی

الماء؛ (8) به برادر ایمانی خود ستم ننماید، او را فریب ندهد، به او خیانت نکند، او را کوچک بشمارد، او را دروغگو نخواند، به او اف نگویید و اگر به او اف بگویید (غرغر کند) لایت بین آن دو قطع می شود و اگر به برادر ایمانی اش

بگویند تو دشمن من هستی، یکی از آن دو کافر (باطنی) می شود و اگر برادرش را متهم نماید، ایمان در قلب او ذوب می شود مانند ذوب شدن نمک در آب.» (9)

4 - ترغیب به دانش افزایی

یک جوان مسلمان باید از علوم روز آگاهی کافی داشته باشد. تخصص در کنار تعهد یک اصل مسلم و تردید ناپذیر در فرهنگ ما است. کسانی در عرصه زندگی به اهداف دلخواه خود می رسند که با شناخت دانش ها و مهارت های عصر خود به قله های سعادت نائل شده و با تعهد و ایمان خویش، اعتماد افراد جامعه را به خود جلب می کنند. از منظر حضرت صادق علیه السلام کسب دانش و مهارت های فنی برای یک جوان ضروری است، آن حضرت می فرماید: «لست احب ان اری الشاب منکم الا غادیا فی حالین، اما عالما او متعلما؛ (10) هیچوقت دوست ندارم یکی از جوانان شما (شیعه) را ببینم مگر اینکه در یکی از دو حال، شب و روز خود را سپری کند: یا دانا باشد یا یاد گیرنده.»

5 - عادت دادن به حسابرسی

یک تاجر زمانی در کار خود پیشرفت می کند که در هر شبانه روز به حساب خود رسیدگی کرده و سود و زیان معاملات خویش را بداند و گرنه بعد از مدت کوتاهی سرمایه و هستی خود را از دست خواهد داد. جوانی، یک سرمایه و فرصت بسیار عالی برای هر شخص می باشد. اگر یک جوان به حساب عمر خود رسیدگی نکند و نداند که آیا در مقابل عمر خویش چه چیزی به دست آورده است، در آینده ای نه چندان دور سرمایه معنوی خویش را به باد فنا خواهد داد.

اما اگر به حساب روزانه اش برسد و ببیند که در مقابل هر روز از دست رفته، یک قدم به سوی کمال برداشته، خوشحال شده و آن را تکرار کند و در مقابل انحطاط فکری و اخلاقی غمگین گشته و سعی در جبران آن داشته باشد، بدیهی است که رو به سوی رشد و ترقی خواهد نهاد. امام صادق علیه السلام به ابن جندب که یک جوان فعال و پرشور و باایمان بود می فرماید: «یا بن جندب! حق علی کل مسلم یعرفنا ان یعرض عمله فی کل یوم و لیلة علی نفسه فیکون محاسب نفسه فان رای حسنة استزاد منها و ان رای سیئة استغفر منها و لئلا یخزی یوم القیامة؛ (11) ای پسر جندب! هر مسلمانی که ما را می شناسد شایسته است که رفتار و کردار خود را در هر شبانه روز بر خود عرضه دارد و حسابگر نفس خویش باشد تا اگر کار نیکی در آن ها دید، بر آن بیفزاید و اگر کار بدی در اعمال خود مشاهده نمود، از آن ها توبه کند، تا در روز قیامت دچار ذلت و حقارت نشود.»

6 - تعدیل حس دوست خواهی

انسان با انس به دوستانش احساس مسرت و لذت می کند. او در همنشینی با رفیق شفیق، نشاط و نیرو می گیرد و این یک نیاز طبیعی اوست و باید ارضاء شود. یک جوان در اثر این حس به سمت دوستان و همفکران خود کشیده می شود، او عاشق رفاقت است و دنبال ارتباط با هم سن و سالان خود می باشد. از طرف دیگر بر اثر غلبه احساسات و شور و شوق جوانی و نپختگی نگرش عقلانی، ممکن است در دام دوستان ناباب و یا صیادان و شیادان بیفتد. از این رو در انتخاب یک دوست ممکن است دچار مشکلات گردد.

امام جعفر صادق علیه السلام دقیقاً روی همین نکته انگشت اشارت نهاده و به جوانان چنین رهنمود می دهد :

«الاخوان ثلاثة : فواحد كالغذاء الذي يحتاج اليه كل وقت فهو العاقل. و الثاني في معنى الداء و هو الحق. و الثالث في معنى الدواء فهو اللبيب؛ (12) دوستان سه دسته هستند. اول : کسی که مانند غذا در هر زمان به او نیاز هست و او دوست عاقل است. دوم : کسی که (برای انسان) مانند بیماری و درد (رنج آور) است، و او دوست احمق (و نادان) است و سوم : کسی که وجودش برای فرد همانند داروی حیات بخش است، و آن رفیق روشن بین (و اهل تفکر) است.»

7 - ضرورت ازدواج

هر جوانی فطرتاً نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. اما بعضی جوانان با بهانه قرار دادن بعضی مشکلات و سختی ها از این سنت الهی روی بر تافته و خود را در دام نفس شیطانی گرفتار می کنند. به آنان باید توجه داده شود که این پیمان مقدس در میان تمام ملت ها وجود داشته و محبوبترین بنیان نزد خداوند متعال است. با ازدواج، شخصیت و ایمان دو جوان کامل می شود. صادق آل محمد علیه السلام فرمود : «من تزوج احرز نصف دینه فليترك الله في النصف الآخر؛ (13) کسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است پس باید در نصف دیگرش تقوای الهی پیشه کند.»

و در حدیث دیگری آن حضرت به جوانان چنین پیام داد : «ركعتان يصليهما المتزوج افضل من سبعين ركعة يصليهما اعزب؛ (14) دو رکعت نماز که فرد ازدواج کرده می خواند بر 70 رکعت نماز یک فرد مجرد برتری دارد.»

8 - تشویق به نماز

بر اساس متون دینی ما نماز عامل کمال انسان و حافظ او از آلودگی ها و صفات مذموم و ناپسند است. همچنین این رفتار معنوی تاثیر بسزایی در بیدار کردن روح نظم و حفظ نظام انسان دارد. نماز تسلی بخش و آرامش بخش دل های مضطرب در انسان های خسته و نگران است.

نماز شاخص رهروان راه خدا و بهترین وسیله ارتباط صمیمانه رب العالمین است. تجربه و آمار گواهی می دهد که درصد بالایی از خلفا کاران و هنجارشکنان در جامعه اسلامی در خانواده هایی بزرگ شده اند که یا نماز نمی خوانند و یا آن را سبک می شمارند. پیشوای ششم جایگاه مهم نماز را در زندگی و رفتار روزانه یک مسلمان برای اقشار مختلف به ویژه جوانان تبیین نموده و فرمود : «**اول ما یحاسب به العبد علی الصلوة فاذا قبلت قبل منه سائر عمله و اذا ردت علیه رد علیه سائر عمله؛ (15)**» (روز قیامت) اولین چیزی که از بنده محاسبه می شود نماز است. اگر از او نماز پذیرفته شد، سائر اعمالش پذیرفته می شود اما اگر نماز او رد شد سایر اعمال (نیک) او نیز رد خواهد شد.»

آن حضرت در مورد زیان هایی که در اثر دوری از نماز برای انسان رخ می دهد به ابن جندب فرمود : «**ویل للساهین عن الصلوات، النائمین فی الخلوات، المستهزئین بالله و آیاته فی الفترات اولئک الذین لاخلق لهم فی الآخرة و لا یکلمهم الله یوم القیامة و لا یرزقهم و لهم عذاب الیم؛ (16)**» وای بر آن ها که از نماز غفلت کنند و در خلوت بخوابند و خدا و آیاتش را در دوران ضعف دین استهزاء کنند، آنان کسانی هستند که در آخرت بهره ندارند و خدا در روز قیامت با آنان سخن نخواهد گفت و آنان را تبرئه نخواهد کرد و عذاب دردناک برای آن هاست.»

9 - تقویت اندیشه های مثبت

با تقویت تفکر مثبت در جوانان می توان صفات نیک و خصلت های زیبا را در وجود آن ها ایجاد کرد. آن گاه با فضا سازی مناسب و به وجود آوردن بسترهای لازم، آن ها را به تکرار رفتارهای مثبت متمایل کرده و آن رفتارها را به صورت عادات پایدار در وجود آنان در آورد. بخشی از اندیشه های مثبت در کلام امام جعفر صادق علیه السلام عبارتند از :

الف) زیارت دوستان و تقویت حس همیاری :

آن حضرت نیکی به دوستان و دیدار آنان را برترین عبادت برشمرده و فرمود : «**ما یعبد الله بمثل نقل الاقدام الی بر الاخوان و زیارتهم؛** خداوند به چیزی همانندگام برداشتن در راه نیکی به برادران دینی و دیدار و زیارت آن ها عبادت نشده است.»

(ب) انس با خدا :

چه زیباست که جوانان پاک همیشه خدا را بهترین انیس خود بدانند و در سختی ها او را همدم و پناهگاه خویش بر گزینند. آن حضرت فرمود : «**آتسو بالله واستوحشوا مما به استانس المترفون**؛ (17) (انسان های با ایمان) با خدا انس گرفته اند و از آنچه که مال اندوزان و دنیا پرستان به آن انس گرفته اند، در هراسند.» آری آنان از نعمت های خداوندی بهره می برند، اما به آن ها دل نمی دهند. آنان دلبسته خدا بوده و با یاد او آرام می شوند.

(ج) پایداری در راه هدف :

پایداری در راه ایمان و عقیده از عوامل توفیق و پیروزی است. یک جوان آن گاه به آرزوهای مشروع و دلخواه دست می یابد که پشتکار و استقامت داشته باشد. مهمترین آرزوی هر جوان نیل به سعادت حقیقی و قرب پروردگار - که جلوه تمام کمالات، زیبائی ها و خوبی هاست - می باشد. پیشوای صادق شیعیان فرمود : «**لو ان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائكة و لا ظلهم الغمام و لاشرقوا نهارا و لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم و لما سالوا الله شیئا الا اعطاهم**؛ (18) اگر شیعیان ما در راه حق استقامت ورزند، فرشتگان با آنان دست می دهند. ابرهای رحمت بر آن ها سایه می افکند. مانند روز می درخشند، از زمین و آسمان روزی می خورند و آنچه از خدا بخواهند، به آن ها عطا می کند.»

(د) دستگیری از افتادگان :

معلى بن خنیس می گوید : «امام صادق علیه السلام در شبی بارانی از خانه به سوی ظله بنی ساعده رفت. به دنبال او رفتم، گویی چیزی از دست او بر زمین افتاد. حضرت گفت : به نام خدا، خداوند آن را به ما بازگردان. به نزدیک رفته سلام کردم. فرمود : معلى تو هستی؟ عرض کردم! آری فدایت شوم! فرمود : با دست خود زمین را جست و جو کن، هر چه یافتی آن را به من بازگردان. معلى می گوید : نان های زیادی روی زمین افتاده بود. یکی یکی، دوتا دوتا پیدا می کردم و به آن حضرت می دادم. کیسه ای پر از نان همراه آن حضرت بود و از سنگینی آن را به زحمت حمل می کرد. عرض کردم : اجازه دهید آن را من بیاورم؟ فرمود : من از تو شایسته ترم، ولی با من بیا. به ظله بنی ساعده رسیدیم. گروهی را دیدم که در خواب بودند. آن حضرت یک یا دو قرص نان را در زیر سر آنان می گذاشت. توزیع نان به آخرین نفر که تمام شد، بازگشتیم. عرض کردم : فدایت شوم! آیا این ها شیعه هستند. فرمود : اگر شیعه بودند حتی در نمک طعام نیز با آنان مواسات و از خود گذشتگی می کردم.» (19)

ه) توجه به غذا :

یک جوان مسلمان همچنان که به سلامت روح خود می اندیشد، در پرورش جسم نیز کوشا است او فردی ضعیف البنیة، کسل و منزوی نیست بلکه به بهداشت غذای خویش در کنار بهداشت روانش توجه دارد. از راه تغذیه صحیح و ورزش جسم خود را تقویت می کند و از راه های مختلف نشاط خویش را به دست می آورد، اما در عین حال به حلال و حرام بودن غذایی که می خورد توجه کامل دارد و آثار مخرب غذای حرام و غیر مشروع را در وجودش در نظر دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید : «شیعتنا لا یاکلون الجری...و لایشربون مسکرا؛ (20) شیعیان ما مارهای نمی خورند ... و شراب و مسکرات نمی نوشند.»

و) نیک رفتاری با اهل معصیت :

در اصلاح رفتار غلط و ناپسند دیگران و کسانی که به نوعی مرتکب گناه می شوند، باید شیوه ای کارآمد در پیش گرفت و ترس و یاس آنان را در پیوستن به ردیف خوبان از میان برداشت و با نیک رفتاری و امید دادن، روحیه شکست خورده آنان را تقویت نموده و بازسازی کرد. امام صادق علیه السلام فرمود : «لا تقل فی المذنبین من اهل دعوتکم الا خیرا، واستکینوا الی الله فی توفیقهم؛ (21) در مورد همکیشان گنه کار خود جز خوبی و نیکی چیزی نگو و از خداوند توفیق هدایت آنان را بخواهید.»

ز) در اندیشه شغل حلال :

عبدالاعلی بن اعین در یک روز تابستانی بسیار گرم در یکی از کوچه های مدینه امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده و به آن بزرگوار عرضه داشت : «فدایت شوم! با این مقام و منزلت و رتبه ای که نزد خداوند دارید و خویشاوندی که با پیامبر برای شماسست، باز هم برای دنیای خویش تلاش می کنید و در چنین روز گرمی خود را در فشار و سختی قرار می دهید؟! امام در پاسخ فرمود : ای عبدالاعلی! جهت یافتن روزی و درآمد حلال بیرون آمده ام تا از افرادی همانند تو بی نیاز شوم.» (22)

ح) برنامه ریزی صحیح در زندگی :

امام صادق علیه السلام می فرمود : «فان الله یعلم انی واجد ان اطعمهم الحنطة علی وجهها و لکنی احب ان یرانی الله قد احسنت تقدیر المعیشة؛ (23) خدا می داند که می توانم به بهترین صورت نان گندم خانواده ام را

تهیه کنم، اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه ریزی صحیح زندگی ببیند.»

پی نوشت ها :

- (1) التهذيب، ج 8، ص 111.
- (2) الكافي، ج 8، ص 93.
- (3) بحار الانوار، ج 10، ص 295.
- (4) معجم رجال الحديث، ج 19، ص 325.
- (5) بحارالانوار، ج 75، ص 237.
- (6) منية المريد، ص 375؛ اصول کافی ج 1، ص 25.
- (7) بحار الانوار، ج 1، ص 214.
- (8) وسائل الشيعه، ج 12، ص 208.
- (9) و در حديث ديگري آن حضرت طمع نورزیدن و پرخاش نکردن را از نشانه های یک شيعه کامل شمردند :
شيعتنا لا يهرون هريز الكلب و لا يطمعون طمع الغراب (مستدرک، ج 12، ص 69).
- (10) امالي طوسي، ص 303.
- (11) تحف العقول، ص 301.
- (12) بحارالانوار، ج 75، ص 237.
- (13) همان، ج 100، ص 219.
- (14) روضة الواعظين، ج 2، ص 374.
- (15) من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 208.
- (16) تحف العقول، ص 302.
- (17) همان، 301.
- (18) همان، ص 302.
- (19) تفيسر عياشي، ج 2، ص 107. با استفاده از عبارات شهيد مطهري.
- (20) تحف العقول، ص 303.
- (21) همان.
- (22) الكافي، ج 5، ص 74.
- (23) همان، ص 166، و اعيان الشيعه، ج 1، ص 59.